



مقابله با خشونت خانگی علیه زنان با رویکردی بر رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا



سیده مهشید میری بالاجورشری* - دکتر امیررضا محمودی**

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

با توصیه عمومی شماره ۱۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، خشونت علیه زنان برای اولین بار به عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت پذیرفته و در سیستم رفع تبعیض علیه زنان ادغام شد، که قبلاً به صراحت خشونت علیه زنان را مورد پذیرش قرار نمی‌داد. لاجرم دولت‌ها موظف به مبارزه با خشونت علیه زنان شده‌اند که به عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت در حقوق بین‌الملل حقوق بشر پذیرفته شده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در همین راستا مقرراتی را در جهت مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان وضع کرده است. مطابق با این تعهدات، دولت نه تنها موظف به حمایت از قربانیان خشونت و مجازات مرتکب است، بلکه باید ریشه‌ها و علل خشونت را نیز از بین ببرد. سوالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که این مقررات به چه نحوی در رسیدگی و آرای دیوان حقوق بشر اروپا نمود پیدا کرده است؟ بنابراین به صورت نظری و با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین رویکرد رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا در خصوص مقابله با خشونت خانگی علیه زنان هستیم. وقتی خشونت خانگی علیه زنان در چارچوب حقوق بین‌الملل حقوق بشر در تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپا مورد تحلیل قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که آرای دادگاه حقوق بشر اروپا نیز این شکل از خشونت را با احکام حقوق بشر اروپایی ناسازگار می‌داند و می‌پذیرد که دولت‌های عضو تعهدات عملی در این زمینه داشته باشند.

کلیدواژگان

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، خشونت، خشونت خانگی، دیوان حقوق بشر اروپا.

* کارشناسی ارشد حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

** نویسنده مسئول، استادیار گروه فقه و حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. / ایمیل:

amirreza.mahmodi@liau.ac.ir

مقدمه

خشونت خانگی یکی از رایج‌ترین اشکال خشونت علیه زنان است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی سعی در پیشگیری و مقابله با آن را داشته و دارند. اما این نوع خشونت در چارچوب نظارت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر شکل ویژه‌ای از مقابله را تجربه کرده است که با تمامی اقدامات پیشگیرانه قبلی هم از منظر شکلی و هم از منظر ماهوی متفاوت است. بنابراین نوع، ماهیت و شکل مبارزه با این پدیده و همسویی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همپوشانی قوانین بین‌المللی در راستای مقابله با این نوع خشونت علیه زنان دارای ابعاد پیچیده‌ای است که بایستی مورد تدقیق قرار گیرد. از این رو، در این پژوهش، خشونت خانگی علیه زنان به ویژه از نظر تعریف، اشکال و تعهدات دولت با در نظر گرفتن پیشینه حقوق بین‌الملل حقوق بشر در قالب رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد، چرا که هر کدام از مفاهیم با نگرشی متفاوت می‌تواند اثری خاص داشته باشد و به همین جهت به مقوله مطالعه لغوی و اصطلاحی پرداخته شده است.

در مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رابطه با منع خشونت خانگی علیه زنان به چه نحوی در رسیدگی‌های دیوان حقوق بشر اروپایی اعمال شده و آرای صادره در این موارد به چه صورت می‌باشد؟ با طرح این سوال به نظر می‌رسد که رویه دیوان حقوق بشر اروپا در رسیدگی به پرونده‌های خشونت خانگی علیه زنان بدین صورت است که دیوان بدون توجه به چگونگی اعمال این خشونت، به تعهدات دولت‌ها در راستای ایجاد شرایطی مناسب جهت پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی و حمایت از قربانیان خشونت توجه ویژه‌ای داشته و در صورت احراز آن‌ها دولت‌ها را محکوم کرده است. روش مطالعه در این مقاله نظری و به روش توصیفی تحلیلی است که با بررسی منابع کتابخانه‌ای موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از نگارش این مقاله نیز تبیین نحوه رسیدگی‌های دیوان حقوق بشر اروپا در پرونده‌های خشونت خانگی علیه زنان و نوع نگرش دیوان به پدیده خشونت خانگی علیه زنان می‌باشد. به طوری که در این مقاله مشخص می‌شود که اقدامات صورت گرفته به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به منع خشونت علیه زنان دارای چه تفاوت‌هایی نسبت به اقدامات قبلی صورت گرفته در جای جای جهان می‌باشد.

۱- پیشینه

در مقاله‌ای با عنوان نظام حقوق بشر اتحادیه اروپا در تعاملات فراملی از نظر تا عمل (صفاری نیا، ۱۳۹۸: ۸۵۹-۸۷۹)؛ (Safarina, 2019: 859-879) که در فصلنامه مطالعات حقوق عمومی به چاپ رسیده است، نویسنده تلاش کرده است تا نظام حقوق بشری که خاص اتحادیه اروپا می‌باشد را به

صورت منسجم به تصویر بکشد. اما از آنجایی که اثر به صورت مقاله می‌باشد و امکان تحلیل کلیه موارد آن وجود ندارد لذا نویسنده به کلیات موضوع توجه کرده است و از مطالعه موارد جزئی اجتناب کرده است. لذا در مقاله‌ای که در این مجال به رشته تحریر در آوردم برعکس اثر مذکور صرفاً به یکی از جنبه‌های حقوق بشر که همان خشونت خانگی علیه زنان می‌باشد و در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته به صورت تخصصی پرداخته شده است.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان خشونت خانگی علیه زنان دارای معلولیت و دسترسی به عدالت در نظام بین‌المللی حقوق بشر (پروین، شعبانی، ۱۴۰۰: ۱۰۴۹-۱۰۶۸)؛ (Parvin, Shabani, 2021: 1049-1068) که در فصلنامه مطالعات حقوق عمومی به طبع رسیده است، نویسندگان به دنبال ارائه راهکار جهت مقابله با خشونت خانگی علیه زنان معلول می‌باشند و در این راستا مقررات نظام بین‌المللی حقوق بشر را مورد تحلیل قرار داده‌اند. یکی از نقاط قوت این اثر نگاه جزئی و تخصصی آن به مقوله خشونت خانگی علیه زنان معلول می‌باشد که هم از بعد نظری و هم از بعد عملی دارای جنبه‌های متفاوتی است. اما از آنجایی که اثر مزبور موضوع را در رویه قضایی مورد مطالعه قرار نداده است لذا مقاله ما از این جنبه دارای نوآوری می‌باشد.

در مقاله‌ای با عنوان «مداخلات برای کاهش و/یا کنترل خشونت خانگی در میان زنان باردار در کشورهای با درآمد کم و متوسط: یک بررسی نظامند» (Sapkota et.al., 2019: 79-94)، نویسندگان به دنبال یک روش سیستماتیک برای کاهش خشونت خانگی علیه زنان در کشورهای توسعه نیافته هستند. بنابراین بیشتر از آنکه به دنبال روش‌های قانونی و قضایی پیشگیری و کنترل آن باشند به جنبه‌های اجتماعی آن پرداخته‌اند و همچنین رویکرد مطالعه در آن بیشتر حقوق داخلی کشورهاست و به موضوع از جنبه‌های مقررات فراملی توجه نشده است، بنابراین با توجه بر اینکه در مقاله ما رویکرد مطالعاتی رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپا در زمینه خشونت خانگی علیه زنان می‌باشد می‌تواند امری بدیع تلقی شود.

در مقاله‌ای تحت عنوان «خشونت روانی شریک جنسی صمیمی علیه زنان در اتحادیه اروپا: یک مطالعه بی‌تغییر ملی» (Martin et.al., 2019: 1739-1755) نویسندگان در صدد مطالعه راه‌های پیشگیری از خشونت روانی شریک جنسی علیه زنان با رویکرد مقررات اتحادیه اروپا می‌باشند. از آنجایی که رویکرد مقاله مذکور بر مبنای مطالعه مقررات اتحادیه اروپا در زمینه کنترل و مقابله با خشونت روانی شریک جنسی علیه زنان است و در این رابطه موردی به صورت رویه محاکم مورد بررسی قرار نگرفته است لذا در مقاله حاضر می‌توانیم مدعی باشیم که برای اولین بار تحلیل مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قابل خشونت خانگی علیه زنان در رویه دیوان حقوق بشر اروپا مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- چارچوب مفهومی

خشونت علیه زنان پدیده‌ای بسیار رایج است که در سراسر جهان دیده می‌شود و می‌تواند منجر به عواقب بسیار جدی تا مرگ شود (World Health Organisation, 2009: 55). خشونت علیه زنان به طور کلی و خشونت خانگی علیه زنان به طور خاص ابزاری است که برای سرکوب زنان استفاده می‌شود و ناشی از کلیشه‌های جنسیتی غالب و الگوهای مداوم است (شریفی صدر، ۱۳۹۷: ۶۰)؛ (Sharifi sadr, 2018: 60). خشونت خانگی علیه زنان به طور سنتی برای کنترل زنان در خانه به ویژه خانواری که نقش زنان در آن غالب است، استفاده می‌شود (Coomaraswamy, 1996: 27).

۱-۲- خشونت علیه زنان

به رسمیت شناختن خشونت علیه زنان به عنوان یک موضوع حقوق بشری و ناقض قوانین فراملی حقوق بشر نتیجه یک فرآیند طولانی بوده است. هنگامی که اسناد حقوق بشر بررسی می‌شود، مشاهده می‌شود که اسناد حقوق بشر با اتخاذ مقوله‌های موضوعی به عنوان «همه» یا «هیچکس» به دارا بودن حقوق زنان و مردان اشاره دارد (Meyersfeld, 2010: 24-26). خشونت علیه زنان به طور خاص در این اسناد خنثی جنسیتی تنظیم نشده است، به طوری که رویه قضایی نهادهای نظارتی و سازمان دهندگان حقوق در قالب کنوانسیون‌های حقوق بشر، خشونت علیه زنان را به عنوان پدیده‌ای پذیرفته‌اند که ناقض حقوق بشر در کنوانسیون‌های مذکور است (Van Leeuwen, 2010: 108-115). هنگامی که به اسناد بین‌المللی ویژه اختصاص یافته به حقوق زنان نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در مورد پدیده خشونت علیه زنان حکم روشنی ندارد. با این حال، این شکاف با دو توصیه عمومی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان که به طور خاص به موضوع خشونت علیه زنان می‌پردازد، پر شده است (کولایی، عابدی، ۱۳۹۵: ۳۱)؛ (Koolae & Abedi, 2016: 31). اولین مورد از این توصیه‌های عمومی، توصیه عمومی شماره ۱۲، بیان می‌کند که کلیه اعمال خشونت آمیز علیه زنان که در خانواده، محل کار یا سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی مطابق با مواد ۲، ۵، ۱۱، ۱۲ و ۱۶ صورت می‌گیرد، زنان بایستی مورد حمایت قرار گیرند. در توصیه عمومی شماره ۱۹ که بسیار جامع تر از ۱۲ است، «خشونت مبتنی بر جنسیت» برای اولین بار به عنوان نوعی تبعیض تعیین شد که مانع از برخورداری زنان از حقوق و آزادی‌ها بر اساس برابری با مردان می‌شود (General Recommendation No.19, 2019: Violence Against Women). اعلامیه رفع خشونت علیه زنان که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روند پیروی از توصیه‌های عمومی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به تصویب رسید، که خشونت علیه زنان را نوعی تبعیض توصیف می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۲۱)؛ (Salarifar, 2009: 21).

پس از تعریف اصطلاح خشونت علیه زنان اشکال این خشونت، زمینه‌های وقوع آن مرتکبین آن در ماده ۲ تنظیم شده است. بر این اساس، اصطلاح «خشونت علیه زنان» همه اشکال خشونت

فیزیکی، جنسی و روانی را در بر می‌گیرد. این اشکال خشونت می‌تواند در حوزه خصوصی مانند درون خانواده، خانه و همچنین در حوزه عمومی مانند محل کار، موسسات آموزشی رخ دهد. در نهایت، مرتکب/ مرتکبین این اشکال خشونت ممکن است خانواده و سایر اشخاص حقوق خصوصی و همچنین خود دولت باشند (Yükselbaba, 2012: 53).

خشونت علیه زنان، صرف نظر از اینکه در حوزه خصوصی یا عمومی انجام شود، به عنوان یک موضوع حقوق بشری تلقی شده و دولت‌ها موظف به مبارزه با آن شده‌اند (صادقی فسایی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)؛ (Sadeghi fasaci, 2010: 119). در واقع، در چارچوب حقوق بشر که بر اساس مسئولیت عمودی بنا شده است، قاعداً امکان پذیرفتن مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بشر توسط اشخاص حقوق خصوصی وجود نداشت (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۴۶)؛ (Salarifar, 2010: 46). با این حال، از طریق دکتترین تعهدات مثبت و عملکرد افقی، چتر حمایتی حقوق بشر توانسته به حوزه خصوصی نیز گسترش یابد و مبارزه با خشونت علیه زنان به عرصه‌ای تبدیل شده است که بر دوگانگی حوزه خصوصی - عمومی غلبه می‌کند (Arslan öncü, 2011: 137). ثانیاً، خشونت علیه زنان به عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت شناخته شده است.

۲-۲- خشونت خانگی علیه زنان

به طور سنتی، خانه به عنوان یک مکان امن و ضامن روابط بین اعضای خانواده همواره قابل احترام قلمداد شده است. از نظر تاریخی، خشونت خانگی به عنوان یک موضوع خصوصی طبقه بندی شده و پذیرفته شده است که دولت‌ها نباید در آن دخالت داشته باشند (Vojdik, 2007: 491). با این حال، بیشتر جنایات علیه زنان در خانه اتفاق می‌افتد و مرتکبین معمولاً همسران یا سایر اقوام مرد هستند. علاوه بر این، خشونت خانگی علیه زنان پدیده‌ای جهانی است که در همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شود (Thomas, 1995: 1127-1129). کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۱۹ خود اعلام کرد که خشونت خانگی موزدیانه‌ترین شکل خشونت علیه زنان است و در همه جوامع دیده می‌شود (General Recommendation No.19, 1996).

در توصیه سال ۲۰۰۲ که توسط کمیته وزرای شورای اروپا تصویب شد، بیان شد که خشونت در خانواده یا خانه شامل انواع خشونت‌های زیر است: تجاوز جسمی و روانی، آزار عاطفی و روانی، تجاوز جنسی و آزار جنسی، زنا با محارم، اعمال عادی یا سنتی که برای زنان مضر است، مانند تجاوز جنسی، جنایات به نام ناموس، ختنه زنان و ازدواج اجباری. در ماده ۳/ب کنوانسیون استانبول، «خشونت خانگی» به خشونتی گفته می‌شود که در خانواده یا خانواده رخ می‌دهد، بنابراین تمایز بین خانواده و خانواده را محو می‌کند.

در مورد مفهوم خشونت خانگی علیه زنان می‌توان به توصیه عمومی شماره ۱۹ کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان اشاره کرد که بیان می‌کند: در زمینه خشونت خانگی، زنان از همه

گروه‌های سنی در خانواده در معرض ضرب و شتم، تجاوز جنسی و انواع دیگر خشونت قرار دارند. تجاوز جنسی و خشونت روانی در نتیجه نگرش‌های سنتی صورت می‌گیرد (General Recommendation No.19, 1996). در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده خاصی در مورد خشونت علیه زنان وجود ندارد (Opuz, 2009: 132) همچنین در رویه قضایی تشکیل شده توسط دادگاه حقوق بشر اروپایی در محور پرونده‌های خشونت علیه زنان، تعریفی از خشونت علیه زنان به طور عام و خشونت خانگی به طور خاص وجود ندارد. با این حال، اتحادیه اروپا خشونت خانگی را یک مشکل عمومی می‌داند که مربوط به همه دولت‌های عضو آن است و توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که این نوع خشونت به دلیل اینکه در روابط شخصی و در محافل بسته رخ می‌دهد، اکثراً آشکار نمی‌شود (Opuz, 2009: 132).

۳- تاریخچه

در طول تاریخ خشونت‌های زیادی علیه زنان اعمال گشته و شاید بتوان گفت این مسئله قدمتی به درازای تاریخ دارد، اما در نیمه دوم قرن بیستم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در سطح جهانی در کشورهای مختلف مطرح شد (اسکندری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۰)؛ (Eskandary et al., 2021: 120). از همان ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، به وجود آوردن فضای برابر برای زنان و ارتقای حقوق آنان از مهم‌ترین تلاش‌های این سازمان قرار گرفته شد. در ماده یک منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ آورده شده که تمام افراد باید بدون تمایز از نظر جنسیت، از آزادی‌های اساسی و حقوق بشر برخوردار باشند (شادمانی، ۱۳۹۶: ۶۳)؛ (Shademani, 2017: 63). از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی جامعه‌شناسان و پژوهشگران با انجام بررسی‌های فراوان، تلاش کردند که پدیده خشونت خانوادگی را شناسایی کنند و آن را از جمله مسائل حاد اجتماعی به شمار بیاورند، چرا که تا پیش از آن جامعه‌شناسان به شکل خاص پدیده خشونت خانوادگی را بررسی نکرده بودند. آن‌ها با اینکه آگاهی داشتند که خشونت در خانواده‌ها وجود دارد اما گمان می‌کردند که این گونه رفتارهای خشونت‌آمیز فقط در شرایط استثنایی و بحرانی در خانواده‌ها حادث می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲)؛ (Ezazi, 2001: 12). از سده بیستم جامعه بین‌المللی برای ممانعت از خشونت علیه زنان و قرار گرفتن حقوق زنان در عرصه حقوق بشر تلاش‌های فراوانی انجام داده است. پیشگیری از ارتکاب خشونت‌های خانگی از سال ۱۹۸۰ به عنوان یکی از مسائل بسیار مهم در عرصه بین‌المللی مطرح گشته است. در سال ۱۹۸۱ شماری از کشورها بخصوص آمریکای لاتین، روز ۲۵ نوامبر را روز مبارزه با خشونت علیه زنان نامگذاری نمودند. انتخاب این روز به یاد خواهران میرابل که توسط حاکم جمهوری دومینیکن پس از شکنجه‌های بسیار به شکل وحشیانه در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ به قتل رسیدند، می‌باشد (ره‌کشای، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۵)؛ (Rahkeshay, 2016: 134-135). اوج برنامه‌ها و

اقدامات مبارزه با پدیده خشونت در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت و کنفرانس‌ها و مجامعی از جمله کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان مکزیکوسیتی ۱۹۷۵، کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان کپنهاگ ۱۹۸۰، کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان نایروبی ۱۹۸۵، کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان پکن ۱۹۹۵ تشکیل شدند که به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای مبارزه با خشونت علیه زنان پرداختند (کرمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۶)؛ (Karami et.al., 2021: 26).

۴- رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد خشونت خانگی

دیوان اروپایی حقوق بشر خشونت خانگی را عملی می‌داند که با مواد خاصی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تداخل دارد. با تحلیل رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حقوق زندگی افراد را تنظیم می‌کند، ماده ۳ (منع شکنجه) و ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی که از تمامیت جسمی و روانی افراد محافظت می‌کند و مواد ۱۳ و ۱۴ که منع تبعیض علیه زنان را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

۴-۱- تحلیل پرونده‌های مطرح

در پرونده اسلواکی، متقاضی زنی است که از سوی همسرش مورد خشونت جسمی و روانی قرار گرفته است و هر دو فرزند متقاضی، قربانی خشونت خانگی شده‌اند و زنجیره سهل انگاری مراجع ذی صلاح و نقص قوانین داخلی منجر به کشته شدن این دو کودک توسط پدرشان شده است (Judgment of the ECtHR of 31 May 2007: 7-14). صرف نظر از اینکه مرتکب خشونت، شخص حقیقی می‌باشد دادگاه با رد ادعای دولت اسلواکی مبنی بر اینکه، این دولت مطابق استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق حیات را مورد شناسایی قرار داده و آن را به صورت قانون لازم الاجرا درآورده و الزامی به حفاظت فیزیکی اختصاصی از جان اشخاص ندارد و متقاضی طبق قوانین داخلی مستحق دریافت خسارات غیر مادی نمی‌باشد، حکم داد که نقض ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، که حق استفاده از حقوق مؤثر داخلی است، در رابطه با این قضیه مشهود بوده و دولت اسلواکی مسئول می‌باشد. همچنین در این رای وقوع خشونت خانگی به طور واضح مورد تایید قرار گرفته است (Judgment of the ECtHR, 2007: 46-55, 59-65).

در پرونده بلغارستان، متقاضیان یک زن و پسر خردسال او می‌باشد. ادعاهای مطرح شده توسط زن در رابطه با خود به اشکال خشونت روانی، جسمی و اقتصادی از جمله استفاده از الفاظ توهین آمیز همسرش علیه وی، ضرب و شتم و عدم مشارکت در بودجه خانواده مربوط می‌شود (Judgment of the ECtHR, 2008: 7, 54, 65, 79, 82, 84). دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی خود

¹. *Kontrova v. Slovakia.*

². *Bevacqua and S. v. Bulgaria.*

را در قالب حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی انجام داد و اظهار داشت که این حق شامل حق حمایت از تمامیت جسمی و روحی افراد و سایر منافع قانونی است. دادگاه اعلام کرد که مقامات بلغارستان تعهدات مثبت دولت عضو طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده‌اند، چرا که ادعاهای متقاضی در مورد شوهرش در حقوق داخلی به درستی برآورده نشده و مورد حمایت قرار نگرفته است و قوانین و مقررات داخلی بلغارستان در رابطه با حقوق خانواده و حمایت از خانواده نقض‌های فراوانی دارد. لازم به تاکید است که یکی از ادله مورد استفاده بلغارستان در این پرونده این است که موضوع پرونده یعنی خشونت متقاضی توسط همسرش یک امر خصوصی است و دولت بلغارستان با طرح این ادعاسعی داشت تا عدم صلاحیت دادگاه اروپایی حقوق بشر را در رسیدگی به این پرونده اثبات نماید که دادگاه اروپایی حقوق بشر به هیچ وجه این استدلال را نپذیرفت و اعلام کرد که چنین استدلالی با تعهدات کشورهای عضو طبق ماده ۸ مغایرت دارد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در این پرونده دولت بلغارستان را طبق ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر محکوم کرده است (Judgment of the ECtHR of 12 June 2008: 83).

یکی دیگر از موارد خشونت خانگی، پرونده برانکو توماشیچ است که قربانیان آن نوزادی بود که توسط پدرش و زنی که توسط شوهرش کشته شده‌اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در این پرونده در بررسی ماهوی خود اعلام کرد که ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حق حیات را مورد شناسایی قرار می‌دهد، مقرر می‌کند که دولت‌های عضو موظف به حمایت از جان افراد در برابر اعمال مجرمانه سایر اشخاص می‌باشند. دادگاه تصمیم گرفت که نقض ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این دلیل که مقامات کرواسی به تعهدات خود در پرونده حاضر عمل نکرده‌اند، صورت گرفته است و بدین ترتیب دولت کرواسی در این پرونده محکوم شناخته شد (Judgment of the ECtHR, 2009: 29, 50-51, 61).

یکی دیگر از پرونده‌های خشونت خانگی که توسط دادگاه حقوق بشر اروپا تصمیم‌گیری شده است، پرونده ترکیه^۱ است که دولت ترکیه مخاطب آن می‌باشد. در پرونده مورد بحث، متقاضی زنی است که سالیان متمادی به همراه مادرش مورد خشونت خانگی همسرش قرار گرفته است. متقاضی و مادرش که بارها مورد خشونت و تهدید شریک زندگی‌اش قرار گرفته و شکایات متعددی را نزد مقامات کشور ترکیه مطرح کرده است، اما عدم رسیدگی مسئولان به شکایات مورد نظر با جدیت لازم و یکسری سهل‌انگاری‌ها زمینه را برای قتل مادر متقاضی توسط شوهر متقاضی فراهم کرده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در بررسی‌های ماهوی‌اش نقض ماده ۲ را که حق حیات را در زمینه قتل مادر متقاضی شناسایی می‌کند و نقض ماده ۳ را که منع شکنجه و بدرفتاری

¹. Branko Tomasic

². Opuz v. Turkey

را به دلیل کوتاهی مقامات برای محافظت از متقاضی در برابر خشونت شوهرش مشخص می‌کند، مورد حکم قرار داده است. آنچه در این پرونده قابل توجه می‌باشد، این است که برای اولین بار در یک پرونده خشونت خانگی، دادگاه حقوق بشر اروپا نقض ماده ۱۴ را که راجع به منع تبعیض است، در ارتباط با مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشخیص داده است. دادگاه حقوق بشر اروپا خاطرنشان کرد که داده‌های آماری ارائه شده توسط متقاضی، که دولت خواننده اعتراضی به آن نداشته است، نشان می‌دهد که خشونت خانگی، بیشتر زنان را در ترکیه تحت تاثیر قرار می‌دهد و انفعال عمومی و تبعیض آمیز قوه قضاییه فضایی را ایجاد می‌کند که منجر به ادامه زندگی خانگی تحت خشونت می‌شود. دادگاه اعلام کرد که نقض ماده ۱۴ در ارتباط با مواد ۲ و ۳ وجود داشته است که بیان می‌کند خشونت متحمل شده توسط متقاضی و مادرش جنسیتی بوده است (Judgment of the ECtHR of 9 June 2009: 199-200). خشونت مبتنی بر جنسیت که نوعی تبعیض علیه زنان است.

دعوی دیگری که دولت اسلواکی مخاطب آن قرار داده شده به تقاضای یک مادر و سه فرزند او مطرح شده است.^۱ مادری پس از ترک همسرش، شکایتی را به مقامات اسلواکی ارائه کرده و مدعی شده است که شوهرش او را تهدید کرده و یکی از دخترانش را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. او از دادگاه محل اقامت درخواست دستور اخراج شوهرش از منزلی را که با هم زندگی می‌کردند مطرح کرد، اما این درخواست به دلیل اینکه دادگاه اختیار محدود کردن حق استفاده از اموال را نسبت به هیچ شخصی ندارد رد شد. اما بعداً با تصویب قانونی جدید، تصمیم احتیاطی مبنی بر اخراج شوهر از محل سکونت گرفته شد ولی شوهر منزل را ترک نکرد. یعنی به بیانی دیگر حکم اجرا نشد. به همین خاطر مادر مجبور می‌شود که محل زندگی جدیدی برای خود و فرزندانش تهیه کند که بدان خاطر از خانواده و دوستان خود دور می‌ماند و فرزندانش به دلیل تغییر محل سکونت مجبور به تغییر مدرسه می‌شوند. پس از طرح موضوع در دادگاه حقوق بشر اروپا، این دادگاه بعد از رسیدگی ماهوی اعلام کرده است که مواد ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است، چرا که شوهر از خانه خارج نشده است و به قربانیان جبران خسارت لازم ارائه نشده است. بنابراین در این پرونده دولت اسلواکی به نقض مواد ۳ و ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی محکوم شد (Judgment of the ECtHR, 2009).

در پرونده کرواسی،^۲ متقاضی زنی است که به مدت سه سال مورد خشونت و تهدید شوهرش قرار گرفته است. به دنبال تهدیدهای مداوم شوهرش علیه او، متقاضی در پناهگاهی که توسط یک سازمان غیردولتی اداره می‌شد، ساکن شده است. پس از طرح شکایت در محاکم کرواسی و انجام

^۱. E.S. and Others v. Slovakia

^۲. A. v. Croatia

برخی اقدامات از سوی محاکم داخلی، در نتیجه معاینات روانپزشکی شوهر متقاضی، مشخص شد که وی دارای برخی اختلالات روانی است. متقاضی در دادگاه اروپایی حقوق بشر، مدعی شد که دولت کرواسی در حمایت از او در برابر خشونت‌های چندین ساله شوهرش کوتاهی کرده است و مفاد مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد وی نقض شده است. اما دادگاه رسیدگی خود را به ماده ۸ محدود کرد و خاطر نشان کرد که در مورد تهدیدات و خشونت‌های شوهر، تعقیب قضایی آغاز شده و اقداماتی مانند بازداشت، معالجه روانی و تعلیق از سوی مراجع داخلی نیز در این زمینه اتخاذ شده است، اما به دلیل آنکه برخی از آنها هرگز اجرا نشده است، بنابراین بر این اساس، دیوان اعلام کرد که نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت گرفته و دولت کرواسی صرفاً نسبت به نقض مفاد ماده ۸ محکوم شده است (Judgment of the EctHR, 2010: 77-78, 80).

در پرونده اسلوواکی، یکی دیگر از پرونده‌های مربوط به خشونت خانگی علیه زنان، متقاضی زنی است که مورد حملات لفظی و فیزیکی شوهرش قرار گرفته و مدعی شده است که مقامات داخلی قادر به محافظت از او در برابر خشونت همسرش نبودند. خواهان مدعی شده که علیرغم نظر کارشناسی ارائه شده به دادگاه داخلی مبنی بر اینکه شوهرش دارای اختلال روانپزشکی است و نیاز به درمان دارد، به دلیل اینکه حکمی مبنی بر بستری شدن در موسسات روانپزشکی صادر نشده، همچنان مورد تهدید همسرش قرار گرفته است. دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که تصمیم دادگاه داخلی مبنی بر قرار ندادن شوهر متقاضی در یک موسسه روانپزشکی مغایر با تعهدات مثبت آن بر اساس ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، چرا که دولت‌های عضو الزام دارند تا از اشخاص حقیقی در برابر آزار و خشونت سایرین محافظت نمایند (Judgment of the EctHR, 2010: 43-52).

مورد دیگر در مورد خشونت خانگی علیه زنان، دعوی مجارستان است، که مخاطب آن دولت مجارستان می‌باشد. در پرونده مذکور، متقاضی زنی است که توسط نامزدش مورد خشونت لفظی و فیزیکی قرار گرفته و نامزدش علی‌رغم درخواست متقاضی از مراجع ذی صلاح به زندگی خود در منزل مشترک ادامه داده است. پس از کش و قوس‌های فراوان یک سال و نیم طول کشیده تا متقاضی بر علیه نامزدش از مراجع داخلی قرار مجرمیت بگیرد. سپس متقاضی نقض مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مدعی شد، اما دیوان بررسی خود را به ماده ۸ محدود کرد. دادگاه خاطر نشان کرد که تمامیت جسمانی قربانی با حق آزادی متهم در تعارض است، اما اعلام کرد که چنین تصمیماتی باید بدون تأخیر اتخاذ شود تا از زنان در برابر خشونت محافظت شود و به این نتیجه رسید که ماده ۸ به دلایلی نقض شده است که دولت متبوع به تعهد خود عمل نکرده است. بنابراین

¹. Hajduova v. Slovakia

². Kalucz v. Hungary

همچنان که در این پرونده مشخص است تاخیر در انجام اقدامات از جانب دولت در حمایت از قربانی خشونت خانگی به نوعی نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی می‌شود (Judgment of the EctHR, 2012: 63-64, 69-70).

اقدامات فرهنگی و سنتی مضر برای زنان نیز می‌تواند در محدوده خشونت خانگی علیه زنان در نظر گرفته شود. تا آنجا که مشخص است، ختنه زنان، یکی از این اعمال است و تاکنون در دو مورد در دادگاه حقوق بشر اروپا مطرح شده است. مورد اول، پرونده ای بر علیه دولت ایرلند است که متقاضیان مادر و دو دختر او می‌باشند. مادر متقاضی ادعا می‌کند که پس از مرگ دختر بزرگش بر اثر خونریزی ناشی از ختنه زنان، از نیجریه به ایرلند مهاجرت کرده است تا از دو دختر دیگر خود در برابر این عمل فرهنگی (سنتی) در نیجریه محافظت کند. با این حال، هنگامی که درخواست پناهندگی آنها توسط دولت ایرلند رد شد، آنها در دادگاه حقوق بشر اروپایی دعوی مطرح کردند که ایرلند ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است. با این استدلال که هر دو دختر در صورت اخراج از ایرلند با خطر ختنه جنسی در نیجریه مواجه خواهند شد. دادگاه حقوق بشر اروپا این پرونده را غیرقابل قبول اعلام کرد و اظهار داشت که مادر متقاضی و همسرش با اشاره به موقعیت‌های ممتاز مالی و اجتماعی خود می‌توانند پس از اخراج دختران‌شان به نیجریه از آنها در برابر اعمال ختنه زنان محافظت کنند. حتی دیوان به این نتیجه رسید که صحت آنچه که مادر متقاضی در مورد دختر بزرگش مطرح کرده بود، مشکوک بوده و بیشتر شبیه دادستانی واهی است و بنابراین پرونده را رد کرد. لذا آنچه در این پرونده مشهود است این می‌باشد که برای موفقیت در پرونده‌های مطروح در دیوان حقوق بشر اروپا راجع به خشونت‌های احتمالی که امکان ارتکاب آنها در آینده وجود دارد، نیاز به استدلال و دلایلی محکم است و نمی‌توان با دلایلی غیر قطعی نتیجه گرفت. این پرونده اهمیت رسیدگی ماهوی در دادرسی‌های دیوان را نیز نشان می‌دهد (Judgment of the EctHR, 2011). دومین مورد در این رابطه، دعوی اتریش است. در این مورد نیز متقاضی با این ادعا که برای فرار از ختنه از نیجریه به اتریش آمده است درخواست پناهندگی داد اما این درخواست نیز رد شد. او در دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی شد که در صورت تبعید به نیجریه با خطر ختنه زنان روبرو خواهد شد و در صورت عدم رضایت به ختنه کشته خواهد شد و استدلال کرد که اگر اخراج شود، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض خواهد شد. دیوان با در نظر گرفتن کلیه جوانب مثل تحصیلات و تجربه کاری متقاضی، به این نتیجه رسید که شخصی که دارای تحصیلات و جایگاه اجتماعی بالایی است می‌تواند از خود در برابر چنین آزارها و خشونت‌های احتمالی محافظت نماید، بنابراین دادگاه با این استدلال پرونده را غیرقابل قبول تشخیص داد و آن را رد کرد (Judgment of the EctHR, 2011).

¹. Izevbekhai v. Ireland

². Omeredo v. Austria

در چارچوب تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مبارزه با خشونت علیه زنان به طور کلی، اولین نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که آیا خشونت در فضای خصوصی رخ داده است یا در حوزه عمومی. به عبارت دیگر، چه مرتکب خشونت، اشخاص حقیقی یا مقامات دولتی باشند، کشورهای عضو موظف به مبارزه با این خشونت هستند. منشأ الزام به مبارزه با خشونت ناشی از اشخاص حقیقی، تعهدات اعطایی کشورهای عضو در چارچوب کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و قابل اجرا بودن احکام کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در کلیه مراحل مبارزه با اقدامات خشونت آمیز علیه زنان است (Arslan öncü, 2011: 47-57).

بنابراین، مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان به عنوان یک تعهد برای کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از طریق تعهدات اعطایی در زمان عضویت مطرح شده است (تقوی، ۱۳۹۲، ۱۳۶)؛ (Taghavi, 2013:136). تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپا در مورد خشونت خانگی علیه زنان که در بالا نمونه‌هایی از آن را بیان کردیم نیز بیانگر همین موضوع است. در تمامی این تصمیمات، مرتکب خشونت، اشخاص حقیقی هستند و با وجود این، دادگاه حقوق بشر اروپا، کشورهای عضو مربوطه را مسئول اعمال خشونت خانگی اشخاص حقیقی علیه زنان دانسته است و در انجام این کار، بر تعهدات کشورهای متعاقد در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تکیه شده است.

تعهدات مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که عمدتاً در موارد خشونت خانگی علیه زنان اعمال می‌شود، اساساً تعهدات منفی هستند. چرا که با اعمال این تعهدات منفی کشورهای عضو مسئول نقض حقوق بین اشخاص حقیقی می‌باشد (Arslan öncü, 2011: 47-48). در کنار آن کشورهای عضو تعهدات مثبتی نیز در چارچوب مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارند که از دیگر حقوق مثبتی بر موارد خشونت علیه زنان است، به ویژه، در رابطه با کودکان و سایر دسته‌های قربانیان و البته زنان قربانی خشونت خانگی، دولت‌های عضو موظف به ارائه حمایت مؤثر بر اساس مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند.

در چارچوب کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، کشورهای عضو در تعیین مناسب‌ترین اقدامات یا ابزار برای مبارزه با خشونت علیه زنان، دارای حاشیه‌ای از قدرت و اختیار هستند و می‌توانند در جهت مبارزه با خشونت علیه زنان هرگونه اقدامی را که مناسب تشخیص می‌دهند در چارچوب استانداردهای اتحادیه اروپا اتخاذ نمایند. نقش دادگاه اروپایی حقوق بشر در این زمینه نظارت بر انطباق اقدامات اتخاذ شده توسط دولت‌های عضو در جهت مقابله با خشونت علیه زنان می‌باشد (Decision of the ECtHR, 2012: 48).

۲-۴ - تحلیل تعهدات مثبت دولت‌ها

در حالی که در سیستم حقوق بشر اروپا، ابزارهای دولت‌های عضو برای مبارزه با خشونت

خانگی علیه زنان در چارچوب تعهدات مثبت آنها ذکر شده است، در سیستم سازمان ملل متحد این موارد به عنوان استانداردهای ارزیابی و راستی آزمایی توصیف شده است. هم تعهدات مثبت و هم تعهدات ارزیابی و راستی آزمایی، تعهداتی را به کشورهای عضو برای جلوگیری، تحقیق، تعقیب و مجازات خشونت علیه زنان و ارائه غرامت به قربانیان تحمیل می‌کند (Arslan öncü, 2018: 23).

در چارچوب الزام به پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان، انجام همه اقدامات مقتضی توسط دولت‌ها در زمینه آموزش برای رفع تعصبات و شیوه‌های سنتی در مورد نابرابری بین زنان و مردان یک ضرورت است. در موارد خشونت علیه زنان که در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح می‌شود، برخلاف کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، این دادگاه عموماً در مورد دلایل وقوع خشونت مورد بحث و اقدامات برای از بین بردن این علل سکوت می‌کند (Arslan öncü, 2018: 24). به عنوان مثال بحث پیشگیری و علل خشونت در دعوی ترکیه (در قسمت قبل توضیح داده شده است) تا حدودی عجیب باقی مانده است و دلیل این امر آن است که دادگاه حقوق بشر اروپا بر اساس داده‌های آماری ارائه شده به آن، تبعیض حاکم بر قوه قضاییه در مورد خشونت علیه زنان در ترکیه را مشخص کرده است و به هیچ عنوان به اصل موضوع و اینکه به چه علت چنین خشونت‌هایی اتفاق افتاده و آیا دولت در قبال پیشگیری آن اقداماتی انجام داده یا نه کاملاً سکوت مانده است. بنابراین در رابطه با الزام به پیشگیری از خشونت خانگی در رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپایی موردی برای ارایه ندارد و جهت رفع این اشکال به توصیه‌های کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و کنوانسیون‌های مشابه مراجعه می‌نماید.

در راستای الزام به تحقیق و تعقیب و مجازات مرتکبین خشونت خانگی علیه زنان بر اساس کنوانسیون حقوق بشر اروپا، کشورهای عضو موظف به ایجاد و اجرای یک چارچوب قانونی برای حفاظت از تمامیت جسمی و روانی افراد در برابر سایرین هستند. در این زمینه، اهمیت مکانیسم‌های حقوق کیفری مؤثر به عنوان ابزار بازدارنده در مبارزه با خشونت علیه زنان را نمی‌توان انکار کرد. علاوه بر این، مکانیسم‌های تعقیب و رسیدگی و مجازات نه تنها برای خشونت فیزیکی بلکه برای موارد خشونت روانی نیز بایستی مورد توجه قرار گیرند (Decision of the ECtHR, 2012: 58).

در سیستم کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، دادگاه اروپایی حقوق بشر اذعان می‌کند که کشورهای عضو در تعیین ابزارهای مبارزه با خشونت علیه زنان دارای اختیار هستند، همچنین توجه دولت‌های عضو را به ضرورت اقدام سریع در مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان جلب می‌کند. به طور کلی در صورت بروز خشونت خانگی پاسخ فوری مقامات در زمینه الزام به تحقیق و پیگرد اهمیت بسیاری دارد. در این راستا به عنوان نمونه در دعوی بریتانیا، متقاضی ادعا کرده که توسط شوهرش مورد خشونت قرار گرفته است. دادگاه اروپایی حقوق بشر خاطر نشان کرد که متقاضی

¹. Irene Wilson v. the United Kingdom

ادعا می‌کند که سال‌ها مورد خشونت شوهرش قرار گرفته است، اما تنها یک مورد خشونت را به مقامات ذی صلاح داخلی اعلام کرده است و مقامات بریتانیا بلافاصله موضوع را بررسی و شوهر متقاضی را دستگیر و مجازات کردند. دادگاه تصمیم گرفت که در پرونده مطروحه، مقامات بریتانیا بر خلاف تعهدات خود طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عمل نکرده‌اند و چون با اولین شکایت به صورت فوری وارد عمل شده و اقدامات مقتضی را انجام داده‌اند لذا بریتانیا مسئول شناخته نشد (Decision of the ECtHR, 2012: 48, 53).

در زمینه الزام به مجازات، لازم به ذکر است که بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افراد حق ندارند پرونده جنایی و صدور حکم محکومیت علیه شخص ثالث را از دیوان تقاضا نمایند. به عبارت دیگر دیوان به جنبه‌های کیفری مورد توجه نمی‌کند و اگر دعوی کیفری بر علیه شخص ثالث در دیوان حقوق بشر اروپا مطرح شود، دعوی رد خواهد شد. در موارد خشونت علیه زنان، دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی می‌کند که آیا حمایت دولت عضو از قربانی عموماً موثر بوده یا نه. به عنوان نمونه در دعوی اسلواکی که جزئیات آن در بالا ذکر شده است، دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که حق محکومیت شخص ثالث وجود ندارد و دیوان صرفاً به این موضوع که آیا دولت تعهداتش را در چارچوب کنوانسیون در جهت حمایت از قربانی خشونت خانگی انجام داده است یا نه، رسیدگی می‌کند. به عبارت دقیق‌تر دیوان به جنبه‌های کیفری موضوع ورود نمی‌کند (Decision of the ECtHR, 2012: 4-18, 55, 83-87).

آخرین رکن از تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در چارچوب مبارزه با خشونت علیه زنان، ارائه جبران خسارت مؤثر به قربانیان خشونت است. الزام به جبران خسارت در سایر متون حقوق بشر فراملی در مورد خشونت علیه زنان مورد شناسایی قرار گرفته است به عنوان مثال، در توصیه عمومی شماره ۱۹ کمیته رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ذکر شده است، که بایستی در صورت وقوع خشونت علیه زنان و تشخیص خسارت، جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد حکم قرار گیرد. توصیه عمومی شماره ۱۹ به اقدامات قانونی مؤثر، از جمله مقررات جبران خسارت پرداخته است (General Recommendation No. 19, 1996: 24).

در سیستم حقوق بشر اروپایی در دعوی اسلواکی، (قبلاً توضیح داده شده است) دادگاه حقوق بشر اروپا رای داد که ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، که حق استفاده از راه حل مؤثر داخلی را تنظیم می‌کند، در ارتباط با ماده ۲، که حق حیات را تنظیم می‌کند، نقض شده است (Judgment of the ECtHR, 2007). همچنین در این رای مورد دیگری که دادگاه حقوق بشر نقض مواد ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تشخیص داده است این است که جبران خسارت کافی برای قربانیان ارائه نشده است و لذا با این رای به بحث پرداخت غرامت و جبران خسارت وارد شده است (Goldscheid, 2006: 395).

نتیجه گیری

توصیه‌های عمومی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و استانداردهایی که با تصمیمات خود در مورد درخواست‌های شکایت فردی ایجاد کرده است، راهنمای دادگاه حقوق بشر اروپایی در رسیدگی به دعاوی مطروح در آن در رابطه با خشونت خانگی علیه زنان است. رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان، پارامترهای برابری زن و مرد، عدم تبعیض و حقوق بشر زنان به اندازه کافی مورد تأکید قرار نگرفته است. علاوه بر این، اهمیت عوامل اقتصادی و اجتماعی که در مبارزه با خشونت علیه زنان غیرقابل انکار است مغفول مانده است. تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپایی در مورد خشونت خانگی علیه زنان همچنان ضعیف است، چرا که مفهوم سازی خشونت علیه زنان به شکل جامع و موثر در آن صورت نگرفته است.

با توجه به وضعیت آسیب پذیر قربانیان خشونت خانگی، تأکید رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا بر الزام دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق بشر در مورد احتیاط و مراقبت بیشتر در موارد خشونت بسیار قابل توجه است. اما نکته ای که مغفول مانده است، چگونگی اعمال ضمانت اجرایی است که پس از محکومیت دولت‌ها در دعاوی مطوحه صادر شده است.

آنچه در رویه دیوان حقوق بشر اروپا مشهود می‌باشد، این است که در آن مبارزه با خشونت علیه زنان به عرصه‌ای تبدیل شده است که تمایز بین حوزه خصوصی و عمومی برطرف شده و به موازات این، دادگاه حقوق بشر اروپا در تعیین مسئولیت دولت‌های عضو در موارد خشونت مربوط به اشخاص حقوق خصوصی تردیدی ندارد و آن را در چارچوب تعهدات مثبت کشورهای عضو قلمداد می‌کند.

وقتی تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپایی در مورد خشونت علیه زنان بررسی می‌شود، می‌توان مشاهده کرد که در شناسایی علل خشونت ناتوان است. به ویژه در مقایسه با تصمیمات کمیته رفع هرگونه خشونت علیه زنان، مشاهده می‌شود که دادگاه حقوق بشر اروپا به اندازه کافی بر الزام به جلوگیری از خشونت در تصمیمات خود تأکید نمی‌کند. از سوی دیگر، تصویب کنوانسیون استانبول که به حذف خشونت علیه زنان اختصاص دارد، گام فوق العاده مهمی است. اما فقدان سند الزام آور اختصاصی به این موضوع در سطح بین المللی احساس می‌شود و اگرچه سعی شده است با دو توصیه کلی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان این کمبود برطرف شود، اما با توجه به داغ بودن موضوع، تصویب یک کنوانسیون بین المللی در مورد خشونت علیه زنان یا افزودن پروتکلی برای تنظیم این موضوع قابل تأمل به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به فرضیه‌ای که در پاسخ به سوال اصلی در مقدمه طرح شده و نتایجی که از مطالعه بدست آمده است، فرضیه مطروح قابلیت تأیید دارد، چرا که مشخص شد دیوان بدون توجه به چگونگی اعمال این خشونت، به تعهدات دولت‌ها در راستای ایجاد شرایطی مناسب جهت پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی و حمایت از قربانیان خشونت توجه ویژه‌ای داشته و در صورت احراز آن‌ها، دولت‌ها را محکوم می‌کند.

منابع فارسی

۱. اسکندری، س.، علیوردی‌نیا، ا.، ریاحی، م.، معمار، ر. (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی نگرش نسبت به خشونت علیه زنان در میان دانشجویان پسر دانشگاه‌های استان مازندران، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۹(۲)، ۱۶۴-۱۱۹.
۲. اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *خشونت خانگی: زنان کتک خورده*، تهران: نشر سالی.
۳. اعزازی، ش. (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، *رفاه اجتماعی*، ۴(۱۴)، ۹۶-۵۹.
۴. پروین، خ.، شعبانی، س. (۱۴۰۰). خشونت خانگی علیه زنان دارای معلولیت و دسترسی به عدالت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۱(۳)، ۱۰۶۸-۱۰۴۹.
۵. تقوی، سید م. (۱۳۹۲). رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی عدم شمولیت و یکپارچگی، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۲(۱)، ۴۵-۲۴.
۶. ره‌کشای، ح. (۱۳۹۵). نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، ۲(۴)، ۱۴۹-۱۲۱.
۷. سالاری فر، م. (۱۳۸۸). تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۳(۴)، ۴۱-۷.
۸. سالاری فر، م. (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان، بررسی علل و درمان*، تهران: نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۹. شادمانی، م. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان در اروپا)، *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، ۳(۹)، ۸۶-۶۱.
۱۰. شریفی صدر، م. (۱۳۹۷). بررسی دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر و وضعیت زنان در ایران، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۵(۲)، ۶۸-۴۳.
۱۱. صادقی فسایی، س. (۱۳۸۹). خشونت‌های خانوادگی و استراتژی زنان در مواجهه با آن، *بررسی مسایل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۴۲-۱۰۷.
۱۲. صفاری‌نیا، م. (۱۳۹۸). نظام حقوق بشر اتحادیه اروپا در تعاملات فراملی از نظر تا عمل، *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹(۳)، ۸۷۹-۸۵۹.
۱۳. کرمی، م.، مشهدی، ع.، شکیب‌نژاد، ا. (۱۴۰۰). مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد راجع به مسائل زنان: روایت بیم‌ها و امیدها، *فصلنامه اندیشه حقوقی*، ۲(۷)، ۴۶-۲۱.
۱۴. کولایی، ا.، عابدی، ع. (۱۳۹۵). نگاهی بر مشارکت سیاسی زنان ایران در بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۱، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۳(۲)، ۴۸-۲۹.

English References

1. Aydin v. Turkey. (1997). (App. No. 23178/94), Judgment of the ECtHR of Sep. 23.

2. Branko Tomasic and Others v. Croatia. (2009). (App. No. 46598/06), Judgment of the ECtHR of January 15.
3. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. (1979). December 18.
4. Croatia, (App. No. 55164/08), Judgment of the ECtHR of 14.10.2010.
5. E.S. and Others v. Slovakia. (2009). (App. No. 8227/04), Judgment of the ECtHR of September 15.
6. Ending Violence against Women from Words to Action. (2006). Study of the Secretary-General of the United Nations, United Nations Publication, and Sales No. E.06.IV.8.
7. Freeman, M. Chinkin, Ch. Rudolf, B. (2012). *The UN Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women- A Commentary*, Oxford University Press.
8. General Recommendation No.19. (1992). Violence against women, 11th Session.
9. Goldscheid, J. (2006). Domestic and Sexual Violence as Sex Discrimination: Comparing American and International Approaches, *Thomas Jefferson Law Review*, 28, 355-398.
10. Hajduova v. Slovakia. (2010). (App. No. 2660/03), Judgment of the ECtHR of November 30.
11. Irene Wilson v. the United Kingdom, (App. No. 10601/09), Decision of the ECtHR of 23 October 2012.
12. Meyersfeld, B. (2010). *Domestic Violence and International Law*, Hart Publishing.
13. Martín-Fernández, M., Gracia, E., & Lila, M. (2019). Psychological intimate partner violence against women in the European Union: A crossnational invariance study. *BMC Public Health*, 19.
14. Report of the Special Rapporteur on violence against women. (1996) its causes and consequences, Ms. Radhika Coomaraswamy, submitted in accordance with Commission on Human Rights resolution 1995/85, E/CN.4/1996/53.
15. Report of the Special Rapporteur on Violence against Women. (2009). Its causes and consequences, Yakin Ertürk, 15 Years of the United Nations Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences (1994-2009)- A Critical Review, A/HRC/11/6/Add.5, 27 May 2009.
16. Sapkota, D., Baird, K., Saito, A., Anderson, D. (2019). Interventions for reducing and/or controlling domestic violence among pregnant women in low- and middle-income

- countries: a systematic review. *Syst Rev*. Apr 02, 8(1).
17. Thomas, D., Beasley, M. (1995). Domestic Violence as a Human Rights Issue, *Albany Law Review*, 58, 1119-1147.
 18. Van Leeuwen, F. (2010). *Women's Rights Are Human Rights*, The Practice of the United Nations Human Rights Committee and the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Intersentia.
 19. Vojdik, Valorie K. (2007). Conceptualizing Intimate Violence and Gender Equality: A Comparative Approach, *Fordham International Law Journal*, 31(2), 487-527.

Turkish References

1. Arslan Öncü, G. (2011). *Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinde Özel Yaşamın Korunması Hakkı*, Beta, Istanbul.
2. Arslan Öncü, G. (2011). Ulusalüstü İnsan Hakları Hukukunda Soruşturma Usulü, *Public and Private International Law Bulletin*, 31(1), 29-90.
3. Arslan Öncü, G. (2018). Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinde Kadına Karşı Aile içi Şiddet Olgusu ve Bununla Mücadele Araçları, *Public and Private International Law Bulletin*, Vol 32(2), 1-37.
4. Yükselbaba, Ü. (2012). *Habermas ve Kamusal Alan: Burjuva Kamusal İlkesinden, İletişimsel Kamusalığa Geçiş*, XII Levha, Istanbul.

Translated References to English

1. Arslan Oncu, G. (2011). Investigation Procedure in Supranational Human Rights Law, *Public and Private International Law Bulletin*, Vol. 31(1), 29-90. **(In Turkish)**
2. Arslan Oncu, G. (2011). *The Right to the Protection of Private Life in the European Convention on Human Rights*, Beta, Istanbul. **(In Turkish)**
3. Arslan Oncu, G. (2018). The Case of Domestic Violence Against Women in the European Convention on Human Rights and Tools to Combat It, *Public and Private International Law Bulletin*, 32(2), 1-37. **(In Turkish)**
4. Aydin v. Turkey, (App. No. 23178/94), Judgment of the ECtHR of 23 September 1997.
5. Branko Tomasic and Others v. Croatia, (App. No. 46598/06), Judgment of the ECtHR of 15 January 2009.
6. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. (1979).

18/12

7. Croatia (2010). (App. No. 55164/08), Judgment of the ECtHR of October 14.
8. E.S. and Others v. Slovakia, (App. No. 8227/04), Judgment of the ECtHR of 15.09.2009.
9. Ending Violence against Women from Words to Action. (2006). Study of the Secretary-General of the United Nations, United Nations Publication, and Sales No. E.06.IV.8.
10. Eskandari, S., Aliverdina, A., Riahi, M., Memar, R. (2021). Sociological explanation of the attitude towards violence against women among male university students in Mazandaran Province, *Social psychological studies of women*, 19(2), 119-164. **(In Persian)**
11. Ezazi, Sh. (2001). *Domestic violence: battered women*, Tehran: Sali Publishing. **(In Persian)**
12. Ezazi, Sh. (2004). Society structure and violence against women, *Social Welfare*, 4(14), 59-96. **(In Persian)**
13. Freeman, M. Chinkin, Ch. Rudolf, B. (2012). *The UN Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women- A Commentary*, Oxford University Press.
14. General Recommendation No.19: Violence against women, 11th Session, 1992.
15. Goldscheid, J. (2006). Domestic and Sexual Violence as Sex Discrimination: Comparing American and International Approaches, *Thomas Jefferson Law Review*, 28(3), 355-398.
16. Hajduova v. Slovakia. (2010). (App. No. 2660/03), Judgment of the ECtHR of November 30.
17. Irene Wilson v. the United Kingdom. (2012). (App. No. 10601/09), Decision of the ECtHR of October 23.
18. Karami, M., Mashhadi, A., Shakibnezhad, A. (2021). A review of the prohibition of violence against women in the United Nations World Conferences on Women's Issues: A Narrative of Fears and Hopes, *Legal Thought Journal*, 2(7), 21-46. **(In Persian)**
19. Koolae, A., Abedi, A. (2016). A Glance on Iranian Women Political Participation in 2001-2011, *International Studies Journal*, 13(2), 29-48. **(In Persian)**
20. Martín-Fernández, M., Gracia, E., Lila, M. (2019). Psychological intimate partner violence against women in the European Union: A crossnational invariance study. *BMC Public Health*, 19.
21. Meyersfeld, B. (2010). *Domestic Violence and International Law*, Hart Publishing.
22. Parvin, Kh., Shabani, S. (2021). Domestic violence against women with disabilities and

- access to justice in the international human rights system, *public law studies*, 51(3), 1049-1068. **(In Persian)**
23. Rahkeshay, H. (2016). The role of government intervention in domestic violence against women from the perspective of human rights, *study journal for the protection of women's rights*, 2(4), 121-149. **(In Persian)**
 24. Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, Ms. Radhika Coomaraswamy, submitted in accordance with Commission on Human Rights resolution 1995/85, E/CN.4/1996/53.
 25. Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, Yakin Ertürk, 15 Years of the United Nations Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences (1994-2009)- A Critical Review, A/HRC/11/6/Add.5, 27 May 2009.
 26. Sadeghi fasaei, S. (2010). Family violence and women's strategy in facing it, *examining Iran's social issues*, 1(1), 107-142. **(In Persian)**
 27. Safarinia, M. (2019). European Union human rights system in transnational interactions from concept to practice, *Public law studies*, 49(3), 859-879. **(In Persian)**
 28. Salarifar, M. (2009). Explaining the causes and contexts of domestic violence, *Islamic studies and psychology*, 3(4), 7-41. **(In Persian)**
 29. Salarifar, M. (2010). *Domestic violence against women, investigation of causes and treatment*, Tehran: Studies office and women's research publishing. **(In Persian)**
 30. Sapkota, D., Baird, K., Saito, A., Anderson, D. (2019). Interventions for reducing and/or controlling domestic violence among pregnant women in low- and middle-income countries: a systematic review. *Syst Rev.* Apr 02; 8(1), 2019.
 31. Shadmani, M. (2017). Analysis and investigation of violence against women (case study of women in Europe), *study journal of the protection of women's rights*, 3(9), 61-86. **(In Persian)**
 32. Sharifi sadr, M. (2018). Universal Periodic Review of the Human Rights Council and the Status of Women in Iran, *International Studies Journal*, 15(2), 43-68. **(In Persian)**
 33. Taghavi, S. (2013). The human rights regime in the European Union lacks inclusion and integration, *Iranian research paper on international politics*, 2(1), 24-45. **(In Persian)**
 34. Thomas, D., Beasley, M. (1995). Domestic Violence as a Human Rights Issue, *Albany Law Review*, Vol. 58, 1119-1147.

35. Van Leeuwen, F. (2010). *Women's Rights Are Human Rights*, The Practice of the United Nations Human Rights Committee and the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Intersentia.
36. Vojdik, Valorie K. (2007). Conceptualizing Intimate Violence and Gender Equality: A Comparative Approach, *Fordham International Law Journal*, 31(2), 487-527.
37. Yukselbaba, U. (2012), *Habermas and the Public Sphere: Transition from the Bourgeois Public Principle to the Communicative Public*, Plate XII, Istanbul. **(In Turkish)**

